



## تورم قوانین کیفری در ایران و لزوم جرم‌زدایی و راهکارهای برون رفت از تورم

محسن دلاوری<sup>۱</sup>، نرگس حاجی<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه حقوق - واحد بین الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم - ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق حقوق جزا، واحد بین الملل قشم - دانشگاه آزاد اسلامی، قشم -

ایران

### چکیده:

جرم‌انگاری یک رفتار نابهنجار، می‌تواند از بروز آن در جامعه جلوگیری کند. اما گاه علاوه بر این، رفتارهایی که مقدمه بروز یک نابهنجاری است هم جرم محسوب می‌شوند. به این ترتیب می‌توان از بروز جرم بزرگ‌تر جلوگیری کرد. اما این اقدام ممکن است به افراط در جرم‌انگاری یا تورم کیفری بیانجامد. با توجه به تعریف جرم، می‌توان جرم‌انگاری را فرایندی گزینشی نامید که به موجب آن، قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی یا ضرورت‌های دیگر، بر پایه مبانی نظری مورد قبول خود رفتاری را ممنوع یا الزام‌آور می‌کند و در نهایت برای حمایت از آن، ضمانت اجرای کیفری قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تورم قوانین کیفری، و لزوم جرم‌زدایی، راهکارهای برون رفت از تورم

### مقدمه

آنچه جامعه را از خطر جرایم حفظ می‌کند تصویب مداوم و تورم قوانین کیفری نیست، بلکه حتمی بودن و قطعیت کیفرهاست. (بکاریا، ۱۳۷۴ ص ۲۰۰).

روند رو به رشد سیاهه قوانین کیفری در دوران (مکتب) کلاسیک باعث ظهور آنتی تز آن یعنی مکاتب دفاع اجتماعی نوین و مکتب علمی تحقیقی شد. مکتب دفاع اجتماعی نوین با رویکردی دو سویه قابل به یک سیاست جنایی روشمند و کارآمد اعم از کیفری و غیر کیفری با عنایت به روشهای جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی و در نتیجه تحدید حقوق کیفری شد. در شرایط و دوران کنونی، تردید فزاینده‌ای درباره موقعیت کنونی نظام عدالت کیفری وجود آمده است که علل آنرا نمی‌توان در ایجاد تغییر و آگاهی از برخی مسایل اجتماعی بویژه تعریف سنتی از نظام عدالت کیفری، تحول سریع نظام اجتماعی و پیشرفت خرده نظام های اجتماعی از قبیل رفاه، بهداشت، آموزش عمومی و تردید در عملکرد نظام عدالت کیفری و تأملات نظری دانش پژوهان علوم اجتماعی، قضایی و نگرش‌ها و انگیزش‌های لیبرالی و انسان دوستانه، واکاوی کرد. عوامل یاد شده نقش نظام عدالت کیفری را به چالش کشاند و باعث ارزیابی دوباره حقوق کیفری شد و با تأکید بر آزادیهای فردی و عدم تحدید آن جز در مواقع اضطراری و جرم‌زدایی و برداشتن انگ‌های مجرمانه از رفتارها و کاهش عناوین مجرمانه و نهایتاً کاهش چتر کنترلی دولت بر فضای آزاد رفتاری همراه بود. (بوشهری، ۱۳۷۹ ص ۳۲).

جرم تلقی کردن یک رفتار به معنای قرار دادن آن عمل در حوزه نفوذ دولت و به رسمیت شناختن دولت در راستای قانون گذاری درباره آن است که اصولاً با هدفهای ترویج همانندی معنا و نظام هنجاری مشترک، کاهش کشمکش‌ها و تنازعات میان افراد، کنترل اعمال اجتماعی و ایجاد نظم و امنیت در بستر نظام اجتماعی می‌باشد. دولت با در نظر گرفتن مساله دار بودن یک وضعیت و همچنین ارزیابی مضار و منافع و هزینه های اجتماعی اقدام کیفری مرتبط بر یک رفتار با عنایت به توالی فاسد آن به جرم‌انگاری می‌پردازد. اما گاه دولت‌ها در این مقام، قلمرو جرم‌انگاری را بیش از حد معمول و مورد نیاز گسترش می‌دهد و باعث ازدیاد و تورم قوانین کیفری می‌شوند. چنین رویکردی علل و عوامل گوناگونی دارد که ضروریست به شماری از عوامل تأیید کننده جرم‌انگاری در نظام حقوقی ایران بپردازیم. تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری می‌تواند علل و عوامل مختلفی داشته باشد. دامنه عناوین مجرمانه، گاه در پرتو تکنولوژی و دنیای ماشینیسیم، میزان آزادی‌های شهروندان را محدود می‌کند و گاهی به واسطه انقلاب و تغییر رژیم سیاسی و گاه در پرتو آموزه‌های دینی و مذهبی و گاه در پرتو دستاوردهای دیگر نظام های حقوقی بدون توجه به عرف و وجدان جمعی حاکم بر جامعه صورت می‌گیرد. خلاصه



اینکه علل و عوامل متعدد و زیادی در این مهم تاثیر دارند که به تفصیل به آنها پرداخته می شود. ولی آنچه مهم است این است که تورم قوانین کیفری، حرمت قوانین کیفری را می کاهد. و باعث وهن قانون توسط شهروندان می شود؛ چرا که در این صورت شهروندان قانون را بازیچه ای احساس می کنند که دیر یا زود دست خوش تغییر و تحول قرار می گیرد. در نتیجه شهروندان همه ارزشها را پیش پا افتاده فرض می کنند. در نتیجه از ارزش آنها کاسته خواهد شد. ژان کریبیه در این راستا می نویسد: «تهدیدهای کیفری یعنی مجازاتها در صورتی که ورای ظرفیت حافظه انسان متعدد و زیاد شوند، یکدیگر را خنثی کرده و در نهایت بی معنی می شوند» (لارژ، ۱۳۷۹ ص ۷۰)

از این رو قاعده عرفی " جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست "، کمرنگ می گردد. پیش شرط خروج از بحران تورم قوانین کیفری و در نتیجه گسترش فضای آزاد رفتار شهروندان، شناسایی علل و عوامل تورم قوانین کیفری است تا با شناخت آنها در حذف آن مؤلفه ها، از بحران پیش گفته خروج کنیم.

### سوابق پژوهش

جیبیزاد هو همکاران، (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان تورم کیفری، عوامل و پیامدها نشان دادند اگر چه وجود قانون کیفری برای جامعه یک ضرورت است، لیکن نمیتوان توالی فاسد ناشی از تصویب و اجرای آن را نادیده انگاشت، زیرا هر قانون کیفری، با وجود تمامی مزایا، محدودکننده آزادی افراد و افزایش دهنده قدرت بوده که نتیجه آن آسیب پذیری توده مردم در برابر حاکمیت است انسان به حکم فطرت، خواستار آزادی و رهایی از محدودیت است، و لی لازمه حیات یک نظام اجتماعی آن است که مردم در لازم را نداشته و با حقوق طبیعی و فطری انسان هماهنگ نباشند، موجب ایجاد تعارض بین مردم و دولت خواهند شد. برای حل این تعارض، وضع قوانین کیفری و استفاده از ضمانت اجرای آن باید به کمترین حد ممکن، کاهش یابد؛ هر چند امروزه قانون گذار ایرانی بدون توجه به پیامدهای تصویب و اجرای قانون کیفری، به طور مستمر بر حجم مجموعه قوانین کیفری می افزاید. برای اثبات این مطلب کافی است بدانیم در فاصله بین سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، بیش از ۲۴۵ قانون تصویب گردید که اگر به این مجموعه آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور و همچنین مصوبات شورای انقلاب فرهنگی در خصوص مورد اضافه شود، رقم بزرگی خواهد شد. در این مقاله سعی شده است، ضمن طرح موضوع تورم کیفری، به عوامل ایجاد کننده این پدیده و آثار آن در حقوق ایران نیز پرداخته شود.

مهآبادی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران در تشکیل پرونده کیفری، عوامل متعددی دخالت دارند که از مهمترین آنها، ضابطین دادگستری می باشند. شناخت حقوق و تکالیف این دسته از مامورین که در شکل گیری پرونده کیفری، بویژه در مراحل اولیه و تحقیقات مقدماتی، موثرند، در نحوه قضاوت مراجع درباره عملکرد آنان، نقش بسیار دارد.

### حقوق کیفری در ارتباط با جامعه

بزه و بزهکاری مفهومی نسبی است که در زمان و مکان های مختلف دچار تغییر و تحول می شود. برخورد و واکنش هر جامعه در هر زمان و مکانی نسبت به جرم، متفاوت است و هر قانون گذاری با توجه به فرهنگ جامعه و سنتها، اخلاقیات و عقاید فکری و مذهبی حاکم و رایج در آن اقدام به وضع قوانین می کند. به این ترتیب قبل از آن که یک رفتار، جرم تلقی شود و قواعدی برای جلوگیری بروز آن پیش بینی شود، قانون گذار باید در مورد لزوم جرم انگاری آن رفتار، مطالعه کند تا در صورت نیاز آن را به عنوان یک جرم جدید وارد نظام کیفری کند. در این راستا باید رابطه حقوق کیفری را با دیگر حوزه ها و رشته ها از جمله جامعه شناسی و روان شناسی و سایر رشته های علوم انسانی تبیین کند و مرزهای مشترک و تفاوت های آن ها را تشخیص دهد.

### رفتارهای مشمول قانون مجازات



جرم‌انگاری یا جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل فرایندی است که به وسیله رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می‌شود. هر قدر دامنه این قوانین تحت فشار افکار عمومی گسترده‌تر شود، مجرمان بیشتری نیز به وجود می‌آورد. تورم کیفری که از آن به افراط در جرم‌انگاری نیز تعبیر شده است، نخستین بار توسط منتسکیو در کتاب روح‌القوانین به کارگرفته شد و تورم قوانین کیفری را موجب بی‌اعتمادی مردم از هیات حاکم دانست. مشکل و به عبارت بهتر «بحرانی» که قانون‌گذاران کشورهای مختلف با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، بحث فزونی عناوین مجرمانه و گسترده‌گی و حجیم بودن مجموعه قوانین کیفری است که از آن با عنوان تورم کیفری یاد می‌کنند. اما این بحران تورم کیفری در کشورهای مختلف یکسان و مشابه نیست. مثلاً بحران تورم حقوق جزا، در اکثر کشورهای غربی و اروپایی برخاسته از شکل‌گیری حقوق جزای فنی و جرم‌انگاری‌های نوین است؛ مانند جرم‌انگاری جرایم محیط زیستی، جرایم رایانه‌ای، جرایم اینترنتی و برخی جرایم اقتصادی جدید. در حالی که متورم شدن حقوق کیفری در جوامع سنتی که جرم‌انگاری‌ها بیشتر ملهم از آموزه‌های اخلاقی و مذهبی است، نتیجه این برداشت و تصور ناصواب است. این ضرورت‌های نوین زندگی اجتماعی و آمادگی نداشتن مردم برای جرم زدایی از برخی عناوین موجود در قوانین جزایی باعث شده است که تناسب میان جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از بین برود. در این حالت دستگاه قضایی با مجموعه گسترده‌ای از عناوین مجرمانه روبه‌رو خواهد شد که این امر خود می‌تواند منجر به ایجاد مشکلاتی در عملکرد دست‌اندرکاران این نظام شود.

### تحول نهادهای حقوق کیفری در طول تاریخ

تحول نهادهای حقوق کیفری بر حسب نظام اجتماعی، نژاد، دین و اقالیم گوناگون هیچ‌گاه مسیر واحدی را نپیموده است و در این زمینه اسناد و مدارک موثق بسیار اندک است. در دوره جنگ‌های خصوصی تجاوز به حریم خدایان گناهی نابخشودنی بود و جادوگری و توهین به مقدسات الهی کیفری سخت در پی داشت. مشخصه بارز جرم در این دوران مخالفت با قوانین خانواده و قبیله بود. با ظهور دولت‌ها و وضع مقررات کیفری قبیله‌ها ضعیف شدند و مداخله آن‌ها در اجرای کیفر محدود شد. انتقام شخصی ممنوع و به تدریج کیفر همگانی جایگزین آن شد. «دادگستری» و اجرای محدود مجازات متناسب با زیان یا صدمه وارده، جای جنگ‌های بین افراد را گرفت.

با افزایش اقتدار حکومت‌ها، گذر از مرحله دادگستری خصوصی به دادگستری عمومی شتاب بیشتری گرفت. برای اجرای عدالت زیان دیده مجبور بود به مقامات دولتی متوسل شود. جرم به دلیل اختلال در نظام اجتماعی، حیثیت عمومی نیز پیدا کرد. برای احقاق حق جامعه دیگر نیاز نبود که زیان دیده اقامه دعوی کند و در بعضی جرایم، مدعی‌العموم‌فارغ از ادعای خصوصی به تعقیب متهم می‌پرداخت؛ ولی بعضی جرایم جنبه خصوصی خود چنان حفظ کرد. (مظلومان، ۱۳۸۶)

### دخالت دستگاه حاکم در رسیدگی به جرم

رژیم سیاسی در کم یا زیاد شدن انواع جرم موثر است و از آن مجزا نیست. بشر در هر نوع رژیم سیاسی ممکن است تحت تاثیر احساسات درونی و وضع وانی و جسمی، مرتکب جرم شود.

حفظ نظم و امنیت، مبارزه با بزه کاری و پیشگیری از وقوع جرایم که همواره در راس برنامه‌های اجرایی هیات حاکمه است و مبین سیاست کیفری است، دو موضوع مهم و کلی را مطرح می‌کند. یکی از این دو موضوع، حفظ اصول کلاسیک سیستم کیفری یا به عبارت دیگر تدوین قوانین جزایی و مجازات مجرمان متن به کردن بزهکاران است. موضوع دیگر، اجرای برنامه‌های خاص اجتماعی برای از بین بردن عوامل جرم‌زا است برای پیشگیری از بزهکاری است. افکار عمومی همواره خواهان اتخاذ یک سیاست کیفری جدی برای پیشگیری از وقوع جرایم و حفظ امنیت و آرامش در اجتماع است. متخصصان جرم‌شناسی نیز معتقدند که تدوین قوانین کیفری و طرز اجرای مجازات‌ها باید برای اصلاح و تربیت و یا درمان بزهکارا نباشد زیرا به تجربه ثابت شده است که شدت مجازات‌ها بدون توجه به نحوه اجرای آن‌ها، در تقلیل جرایم تاثیری ندارد. (صادقی، ۱۳۷۸)



### جلوگیری از ارتکاب به جرم

در نظام‌های کیفری معمولاً راهکارهای غیر کیفری و بازدارنده برای جلوگیری از ارتکاب بزه در نظر گرفته می‌شود. این راهکارها گاه محدودیت‌هایی برای افراد ایجاد می‌کنند تا حدی که ممکن است فرد در معرض بزهکاری، به دلیل وجود قراین و امارات علیه وی مبنی بر ارتکاب جرم در آینده، بازداشت شود. نظارت بر افراد در معرض بزه به دو روش انجام می‌گیرد؛ روش اول اقدامات دولتی است که حاکمیت با استفاده از اختیارات قانونی خود به اقداماتی در راستای کنترل بزهکاران بالقوه دست می‌زند که در حکومت‌های دینی، استفاده از راهکارهای مذهبی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. روش دوم نظارت و مراقبت مردمی است که از درون جامعه سرچشمه می‌گیرد. (حبیب زاده ۱۳۸۰)

### کنترل افراد بزهکار

در هر جامعه‌ای دولت موظف به حفظ نظم و امنیت است. ایجاد امنیت و آرامش جامعه علاوه بر به کارگیری شیوه‌های کیفری پس از وقوع جرم، با در پیش گرفتن راه کارهایی، برای جلوگیری از وقوع بزه هم صورت می‌گیرد. بخشی از این راه کارها برای کنترل بزهکار، به عنوان محور اصلی ارتکاب جرم است. در عین حال دولت به حقوق و آزادی های فردی پایبند بوده و آن‌ها را رعایت کند. رعایت چنین حقوقی با اعمال اکثر راهکارهای پیشگیری منافاتی ندارد. راهکارهای محدود کننده نیز باید به صورت قانونمند اجرا شوند تا بین حقوق فردی و اجتماعی توازن لازم برقرار گردد. (صادقی ۱۳۷۸)

### مجازات‌های بازدارنده برای جرایم

برای از بین بردن زمینه ارتکاب جرایم و متوقف کردن مجرم در ابتدای انحراف، برخی اعمال مقدماتی که علت اصلی ارتکاب جرم هستند نیز جرم‌انگاری می‌شوند. این امر در حقوق موضوعه کشورها مورد توجه قرار گرفته است و اثر قابل توجهی در کاهش جرم داشته؛ برای مثال، در قانون پلیس بلژیک پیش بینی شده که ترک کردن یک وسیله موتوری بدون انجام احتیاط‌های لازم جهت جلوگیری از سوءاستفاده از آن، از جمله تخلفات راهنمایی و رانندگی شناخته شده و به آن جریمه تعلق خواهد گرفت. این گونه جرم‌انگاری، در سرقت خودرو کاهش قابل توجهی ایجاد کرده است.

### معرفی مجرمان خطرناک

بعضی مجرمان حرفه‌ای و سابقه دار از این جهت که در جامعه ناشناخته هستند، بعد از آزادی زندان و حضور مجدد در جامعه، مجدد مورد اعتماد مردم واقع می‌شوند و دست به ارتکاب جرم می‌زنند. درسیاست جنایی اسلام، اقدامات بازدارنده‌ای برای جلوگیری از این اتفاق پیش بینی شده است. برای نمونه می‌توان به مجازات شهود حرفه‌ای اشاره کرد که در اطراف دادگاه‌ها حضور دارند و در قبال دریافت پول برای افراد شهادت دروغ می‌دهند. مجازات این افراد باید به صورت علنی انجام گیرد تا از تکرار جرم بازداشته شوند.

لطمه زدن به شهرت مجرم حرفه‌ای و افشای ماهیت او و اخطار به بزه دیدگان بالقوه می‌تواند فرصت بزهکاری آنان را کاهش دهد. البته روشن است که این شیوه در مورد تمام مجرمان کارساز نیست و فقط نسبت به جرایم خاص و مجرمان بسیار خطرناک اعمال می‌شود. در سایر جرایم که جنبه عمومی کمتری دارند، چه بسا افشای ماهیت مجرم و زدن برچسب مجرمیت بر او، خود موجب تشدید معضل بزهکار می‌شود. (حبیب زاده ۱۳۸۰)

خلاصه اینکه مصوبات مراجع مختلف قانونگذاری اعم از شکلی و ماهوی جامعه کنونی ما در دو سه دهه اخیر با بحران مواجه کرده است. پراکنندگی و تعدد قواعد شکلی از قبیل رویکردهای متعدد و مختلف نسبت به تعدد قضات، حق تجدید نظر خواهی و ... که اساساً در دوره های مختلف متغیر بوده، بیش از پیش به بحران یاد شده دامن زده است. از سال ۵۸ تا ۷۸، ۲۳ قانون مربوط به آیین دادرسی و سازمان قضایی تدوین و تصویب شده است که قطعاً رقم بزرگی خواهد بود.



تورم قوانین کیفری نه تنها در مورد قوانین شکلی، بلکه در خصوص قوانین ماهوی در سیستم کیفری ایران بوضوح قابل مشاهده است، بعنوان مثال در قوانین ماهوی در مورد انتخابات از سال ۵۸ تا کنون ۱۰ قانون انتخاباتی مورد تصویب قرار گرفته است. در خصوص مواد مخدر از شدت وحدت بیشتری استفاده کرده است و قوانین متعدده و شدید به تصویب رسانیده است، بدون اینکه نتایج مثبتی داشته باشد.

نتیجه چنین تورم و ازدیاد قانونی، موجب سردرگمی متولیان اجرا و دوگانگی در خصوص جرایم است. تصویب یک قانون محکم و ثابت برای قانون انتخاباتی ضروری است. قانونگذار یا قانونگذاران بجای عنایت و توجه به بسترهای منتهی به وقوع بزه و حذف علل و عوامل مدخل در آن از طریق آموزه های وثیق جرم شناسی، تنها به نوشتن قوانین کیفری پرداخته است. (کلانتری، ۱۳۸۰ ص ۶۲).

بنابراین یکی از علل و عوامل تورم قوانین کیفری در ایران، تعداد مراجع قانونگذاری اعم از شورای عالی انقلاب فرهنگی، دیوان عالی کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان و دیگر مراجع می باشد و مؤید این ادعا، مثال فوق الذکر است که بگونه ای مدلل و مستند بحث شده است. کثرت تدوین قوانین توسط مراجع متعدد نه تنها نظمی حادث نمی کند، بلکه خود عامل بی نظمی است که علاوه بر افزایش سیاهه قوانین کیفری منجر به ازدیاد ورود شهروندان به زرادخانه حقوق کیفری و تورم جمعیت کیفری شده است.

### **پذیرش کیفر و اعمال سزاده و قهر آمیز به عنوان تنها پاسخ**

امروزه اغلب جوامع برای ترویج همانندی معنا و نظام مشترک هنجاری و تنظیم و تنسيق روابط اجتماعی افراد داشتن یک سیاست کیفری را مقدم از سیاست جنایی می دانند و به تصویب قانون در راستای اهداف خود می پردازند. ظهور و بروز جرم شناسی بعلمت ناکارآمدی حقوق کیفری و دیدگاه های افراطی زعمای حقوق کیفری مبنی بر شدت کیفر برای کنترل جرم بوده است. از اینرو ساده ترین و در دسترس ترین ابزار برای پیشبرد اهداف و برنامه ها و سیاست های سازمانهای اجتماعی توسل و تمسک به حقوق کیفری است. از اینرو دستگاه ها و نهادها با گسترش دامنه جرم انگاری نسبت به موضوع های جدید اسهل طرق را انتخاب و به جرم انگاری اهتمام می ورزند و لو با واقعیات ناسازگار باشد. پذیرش کیفر بعنوان تنها پاسخ می تواند ناشی از درک نادرست جامعه از مفهوم جرم و حقوق کیفری باشد؛ به این اعتبار که ایندو را یک پدیده یکپارچه تصور می کنند. گویی که تنها راه پیشگیری از جرم، حقوق کیفری است. البته ناگفته پیداست توسل به حقوق کیفری و جرم انگاری توسط جوامع گاهها بدلیل اجتناب از هزینه های پیشگیرانه و نهایتاً تمسک به حقوق کیفری بعنوان آسانترین شیوه مبارزه با جرم است. (ابرندآبادی، ۱۳۷۰ ص ۶۸).

یکی از علل گسترش جرائم و تورم قوانین کیفری بعد از انقلاب، همین مسأله بوده است. گسترانیدن چتر حقوق جزا بر عرصه اخلاقیات، اجتماعیات، اقتصادیات و... مؤید ادعای فوق است. مثلاً زمانی مشکل اقتصادی مطرح می شد، دفعتاً واحده مقام تقنینی چتر حقوق جزا را بر عرصه اقتصاد باز می کرد و سیاهه قوانین را بدون عواقب جرم انگاری بیشتر می کرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹ صص ۶۴۷-۶۴۶).

مورد دیگر در زمینه قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره ای در ایران است. این قانون از جمله قوانین جرم زاست. مقام تقنینی بحای بستر سازی اجتماعی در راستای استفاده بهینه و صحیح از ماهواره و همچنین آگاهی دادن به افراد در این راستا به جرم انگاری در این خصوص بعنوان آسانترین متد و راه حل استفاده کرده است. توالی فاسد این رویکرد، زمینه سازی رشاء و ارتشاء برای مأمورین دولت از یک سو و بازار سیاه خرید و فروش ماهواره از دگر سو می باشد.

بنابراین آنگاه باید از حقوق کیفری استفاده کنیم که تمام راه ها به بن بست ختم شده باشد و هیچ راه دیگری برای جلوگیری از بزه وجود نداشته باشد، در این صورت قانون باید به گونه ای به ظرافت و دقت تدوین شود که فرهنگ ساز باشد نه جرم ساز. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹ ص ۹۵۹) گذشته از توالی فاسد جرم انگاری و ازدیاد قوانین کیفری در قانون، توسل بیش از اندازه به قوانین کیفری پایه های حکومت را متزلزل و اعتقادات افراد را نسبت به ارزشهای مورد حمایت سست می کند. (مظلومان، ۱۳۸۶)

### **اسلامی، اخلاقی و مذهبی کردن حقوق کیفری**



بی شک پیاده کردن احکام اسلام از مهمترین خواسته های مردم ایران بود. آنها برای تحقق این خواسته، شکنجه ها و سختی ها را به جان خریدند. در قانون اساسی که خواست قلبی ملت و امت اسلامی است در اصول ۴ و ۹۱ به این مهم اشاره شده و عدم مغایرت احکام و قواعد با شرع انور مورد تایید قرار گرفته است. به منظور پیاده کردن احکام اسلامی در سه دهه اخیر در قانون کیفری تغییرات اساسی ایجاد شده است. که در آن جمله قانون راجع به مجازات اسلامی (۶۱)، قانون دیات (۶۱)، قانون حدود و قصاص (۶۱) قانون تعزیرات (۶۲) قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها، خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند (۷۲) اشاره کرد.

نظام اجتماعی شحون از خرده نظام های متعدد اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ دین و غیره است. انتخاب هر کدام از این مؤلفه ها اعم از سیاست، دین یا اقتصاد و... بعنوان تنها سازوکار قانون نویسی و مرجعیت برخی از خرده نظام ها و انکار سایر خرده نظام ها ماقبل قبول نیست. بعنوان مثال نظام مارکسیستی اقتصاد محور مورد نقد است؛ چرا که جزء را کل انگاشته است. بنابراین عنایت و اهتمام به تمام پارادایم ها و مؤلفه ها و خرده نظام ها در امر قانون نویسی و جرم انگاری ضروری است. (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۹، صص ۵۵/۵۶).

در جامعه ما فقه را همانطور که بود بدون عنایت به مقتضیات زمانی وارد حقوق کیفری کردیم ورود فقه به حکومت کیفری بدون کم و کاست باعث تضعیف بعد درونی آن شده ایم. محرمات و اخلاقیات اسلامی را وارد حقوق جزا کردیم و از تیغ برنده حقوق کیفری برای تحقق آنها استفاده کنیم. آیا شایسته است از طریق حقوق کیفری، بی حجابی، داشتن ماهواره را بگیریم، ماده ۶۳۸ را مورد حمایت کیفری قرار دهیم و جرم انگاری دینی کنیم. آیا ماده ۶۳۰ مشکل زا نیست. آیا بهتر نیست وجدان جمعی را لحاظ و به جرم زدایی پردازیم. کل پنداری دین بعنوان یک خرده نظام، باعث مشکلات عدیده ای در امر جرم انگاری و قانون سازی شده است. که قویا می توان گفت یکی از علل و عوامل جرم انگاری و تورم قوانین کیفری، توجه یک سویه به دین در راستای جرم انگاری و گسترانیدن چتر حقوق جزا به عرصه اخلاقیات اجتماعات و... بوده است. پذیرش تعدی و جرمی مفاهیم دینی و اخلاقی باعث درهم آمیختگی تحریم و تجریم، انحراف و بزه شده است. اجازه تلویحی مقام تقنینی در مراجع کتب فقهی و منابع رفتاری معتبر اسلامی و فقهی در مواد ۶۳۸ ق.م.ا. و ماده ۲۱۴ ق.ا.د.د.ک. منجر به جرم انگاری از سوی قضات شده است که مغایر با اصول قانون اساسی در اصول اولیه حقوق از جمله اصل برائت و قاعده قبح عقاب بلایان و اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست. و زمینه را برای تفسیرهای موسع قضات و انتباه های شخصی قضات را هموار می سازد. از اینرو مواد ۶۳۸ ق.م.ا. ماده ۱۶۷ ق.ا. و ماده ۲۱۴ ق.ا.د.د.ک. تحریمات شرعیه را معادل جرم انگاری تقنینی دانسته اند و جرم انگاری دو گانه قانون مدون عرفی و متون شرعی را در نظام کیفری حاکم، پذیرفته است. (حبیب زاده، ۱۳۸۳، صص ۹)

ماده ۱۸۴ ق.م. اسلامی به هر فرد یا گروهی اجازه داده است برای مبارزه با مجاربان و از بین بردن فساد بر زمین دست به اسلحه برد. ماده ۲۲۶ ق.م.ا. که اجازه قتل مهدورالدم را به افراد داده است و نیز تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.م.ا. که مقرر می دارد چنانچه بیگناهی را اشتباها بجای مهدورالدم به قتل رسانیده باشد، فقط ملزم به پرداخت دیه است با ماده ۱۱ جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی که صدور حکم و اجرای آنرا تنها از طریق مراجع رسمی قضایی می داند، منافات دارد. رجعت به انتقام خصوصی در این مواد مشهود است جای شگفتی است که مقام تقنینی در دنیای مدون، چنین سازوکاری را اتخاذ کرده است. قانونگذار انقلاب اسلامی بدون عنایت به واقعیات روانشناختی و رشد فکری کودکان با لحاظ مسئولیت میفری برای سنین پائین در انتظار جامعه اخلاقی و منزه بوده است. البته ناگفته نماند پیداست که چنین رویکردی با الهام از مفاهیم شرعی و آموزه های دینی اقتباس شده است ولی آنچه اینجا مهم است، این است که قانونگذاری بدون لحاظ عهدنامه های بین الملل و منشور حقوق بشر، سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال - حتی قبل از انقلاب - را تنزل داده است و بطور غیر مستقیم تعداد مجرمین بالقوه را بیشتر کرده است. جرم انگاری در پرتو یک سیاست ناصحیح، بدون شک نه تنها گستره جرایم را کاهش نمی دهد بلکه خود جرم زاست. امروزه جامعه شناسی جنایی در پرتو یافته های وثیق خود قایل است که واکنش اجتماعی یکی از عوامل ازدیاد جرایم می باشد. الا کسانی قایل است هر جامعه مستحق همان مجرمین است که خود پرورش داده است. (ابرندآبادی، ۱۳۷۹، صص ۶۴۸-۶۵۰)

### جرم انگاری مبتنی بر پالایش



در فرایند جرم انگاری مبتنی بر پالایش، برای جرم تلقی کردن یک رفتار، نظام تقنینی باید رفتارها را از اصول و فیلترها و صافی های بگذارند تا آنگاه صالح از برای الصاق بر حسب مجرمانه بر آن رفتار یا رفتارها باشد. از اینرو ورود یک رفتار به سیاهه قوانین کیفری، مستلزم عنایت مقام تقنینی به پالایش، ابتدا تأکید بر فیلتر اصول است. بدین معنا که باید بر اساس یکسری اصول نظری ثابت شود، دولت به مداخله در حقوق و آزادیهای شهروندان از طریق محدودیت یا ممنوعیت مجاز است.

فیلتر دوم؛ فیلتر کارکردهاست. در این فیلتر باید روش هایی را که واجد کمترین خطر و مزاحمت برای افراد است و کمتر آفرانه است را انتخاب کنند.

فیلتر سوم؛ فیلتر کارکردهاست. در این پالایش عواقب عملی جرم انگاری یک رفتار و برآیند مضار و منافع جرم انگاری یک رفتار مورد بررسی قرار میگیرد. با وجود این فیلترها نقش نظام عدالت کیفری، نقشی محدود و استثنایی است. با گذر از این سه فیلتر پالایش به عنوان یک روند جرم انگاری، جایگاه حقوق کیفری متقن و موجه خواهد بود. بدین سان حکومت آنگاه به جرم انگاری یک رفتار اهتمام می ورزد که بتواند با دلایل قطعی و یقینی ثابت کند، راه حل دیگری برای جلوگیری از آن رفتار وجود نداشته است. (بوشهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

چنین روش و مؤلفه ای برخاسته از اندیشه های آزادیخواهی و نهضت و دین پیروی در جهت توسعه بخشی به حوزه آزاد رفتاری شهروندان و تحدید و تضییق حوزه کنترل دولت، بوده است که آقای جان شنتسک به تفصیل بدان پرداخته است. با عنایت به مباحث پیشگفته، ناگفته پیداست آنگاه که مبنای حقوق اجتماع است با موقعیکه مبنای حقوق، حکومت است نوع و میزان جرم انگاری متفاوت است. گاهی مفسر، مجری و ضامن اجرای حقوق پذیرفته شده اجتماعی است و گاهی حقوق ضامن سلامت حکومت و حفظ آن است. هر کدام از این رویکردها، نتایج متفاوتی در زمینه جرم انگاری و جرم زدایی دارد. (رهایی و کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

## عدالت ترمیمی

رویکرد عدالت ترمیم، ملهم از بزه دیده شناسی و بزه دیده مداری است. در این مدل ذینفعان، ذی سهمان در کلیه مراحل رسیدگی شرکت می کنند. اصحاب و اطراف جرم با جامعه محلی و نمایندگان دولت در عرض هم هستند و با توافق مرضی الطریفین شرکت می کنند. در این مدل، هدف رقابت نیست؛ بلکه مشارکت مبتنی بر توافق و تضامح است. عدالت ترمیمی<sup>۱</sup> با نام های عدالت سبز، عدالت جامعوی، مشارکتی، اجتماعی واقعی نیز مطرح شده است و قایل است « وخامت عمل مجرمانه، معیار واکنش جامعه تلقی می شود. » افزایش بار نظام کیفری، عدم توانایی دستگاه عدالت کیفری در حل مسایل جدید و حادث، تورم پرونده های کیفری و افزایش بی رویه و فزاینده انسانها در زندان ها باعث شده که صاحبان اندیشه حقوقی و پژوهشگران، پاسخ های به جرم را متنوع کنند و با استراتژی روشمند و نوین، سازوکارهایی را اتخاذ کنند که غایت آن اجتناب از ورود به فرایند کیفری و یا خروج هر چه سریعتر از این فرایند باشد. به عبارت اخری با تمسک به چنین سازوکار ترمیمی از یک سو بار نظام عدالت کیفری و از دگر سو از ظرفیت های جامعه با متدهای که ... مشی و میانجیگری به مدیریت و مهار جرم پردازیم. به زعم بکاریا، سیاهه قوانین کیفری (جرایم) باید کم باشد و از جرم زدایی به توزیع حمایت از ارزشها به سایر رشته های دیگر حقوق و جامعه مدنی استفاده کرد. سیاهه قوانین و مجازاتها نباید آنقدر زیاد باشد که موجب اعتراض و طغیان جامعه گردد. مجازاتها و جرایم باید زمینه انسجام جامعه را فراهم کند. تعامل نادرست متولیان و کارگزاران واکنش اجتماعی با فرد مجرم از الصاق عنوان مجرمیت به آنها باعث درونی شدن هیبت مجرمانه در قربانیان می شود که وجود یک سیاست جرم زدایی وسیع با عدم مداخله نظام کیفری را می طلبد. بنابراین چالشهای فرا روی نظام عدالت کیفری کلاسیک باعث روگردانی از این سازوکار و روی آوردن به نظام عدالت ترمیم از طریق مداخله بزهکار، بزه دیده و جامعه محلی شده است. مضافاً به اینکه از دیگر عوامل گرایش به سمت عدالت ترمیمی؛ تاخیر و طولانی شدن پرونده های کیفری در رسیدگی، هزینه های فوق العاده اجتماعی و اقتصادی و ناتوانی نظام عدالت کیفری سنتی در تامین نیازها و مطالبات بزه دیدگان را می توان نام برد. (حبیب زاده، ۱۳۸۰)

<sup>1</sup>-restorative justice



## توجه به وجدان جمعی در چرخه جرم انگاری و جرم زدایی

یکی از متد ها و شیوه های همواره فراروی جرم انگاری، عنایت به وجدان جمعی-مقبولیت اجتماعی-می باشد. در این دیدگاه قانون چیزی جز محصولات و فراورده هایی از انتظارات عمومی نیست. عدم عنایت به وجدان جمعی در راستای جرم انگاری، باعث تضاد و اصطکاک بین حقوق و خواست مردم می گردد. بنا بر این وجدان جمعی نقطه اتکای قوانین است.

## وجدان جمعی در چرخه جرم انگاری.

اگر بخواهیم از منظر وجدان جمعی، حقوقی را تعریف کنیم، بی شک آنرا اراده فعلی هیئت الاجتماع خواهیم دانست. پس با این تعریف، حقوق را باید در لایه های ذهنی مردم جستجو کرد و حیات آنرا در بطن اجتماع واکاوی کرد. از اینرو موفقیت قانون آنگاه میسر و میسر می شود که با اعتقادات ذاتی و نژادی افراد ملت سازمندی داشته باشد. (لازررژ، ۱۳۸۱)

ژان ژاک روسو در نامه ای به دالامبر اهمیت وجدان جمعی در راستای جرم انگاری را اینگونه تعریف کرده است: «مهمترین همه قوانین آن نیست که بر لوح سنگی یا تخت فلزی حک شده باشد، مهمترین همه قوانین آن است که در قلب شهروندان نقش بسته است. این قانون، همان قانون اساسی جامعه است. مهم این نیست که بهترین قانون وضع شود، مهم این است که قانونی وضع شود که به بهترین وجهی با وضعیت ملی منطبق باشد و ملت به آسانی بتوا ند آنرا تحمل کند. همانطور که معمار پیش از برپایی بنایی بزرگ، زمین را آزمایش می کند تا ببیند آیا تحمل وزن ساختمان را دارد یا نه، قانونگذار فرزانه نیز نباید به خود قانون و وضع آن توجه کند؛ بلکه قبل از تصویب آن باید توجه کند آیا ملت تاب تحمل آنرا دارد یا. خیر؟ قانون از یک سو باید برای جوانان وضع شود که آمادگی پذیرش آنرا دارند و از دگر سو عنایتی خاص به پیران گره خورده به سنن را داشته باشد.» از اینرو همچنانچه در فصول قبل عنوان شد یکی از مباحث و متدهای جرم انگاری، توجه و عنایت به وجدان جمعی و مقبولیت اجتماعی در راستای جرم انگاری است. بنا بر این مطابق این دیدگاه حقوق چیزی نیست که در برج عاجی یا در گوشه ای به دور از اجتماع به تدوین آن پردازیم، بلکه حقوق زنده هر ملتی را باید در بطن اجتماع آن ملت جستجو کرد. از اینرو با استفاده از اصول منطقی و کلامی و فلسفی نمی توان حقوق ملتی را تدوین کرد ایرلینگ قایل است، حقوق هر جامعه همچون کوه یخی است که قسمتی از کوه روی آب قرار دارد که معرف حقوق موضوعه است و قسمتی که زیر آب قرار دارد، حقوق زنده است، که به مراتب بیشتر از قسمتی است که روی آب قرار دارد و قابل مشاهده است پس حقوق زنده زیر بنای حقوق موضوعه است که بدون آن حقوق موضوعه قوام و دوام ندارد. همنوای و همسویی حقوق موضوعه با حقوق زنده شرط تعادل و پایداری حقوق موضوعه است. این مهم وظیفه مقام تقنین است همسو باید با شناسای حقوق زنده ملت، به تدوین و تصویب قواعدی همت گمارد که انتظارات و خواسته ها و ما سلف گره خورده ها به وجودشان است. پس هماهنگی با سنت ها، عقاید مذهبی، ضوابط فرهنگی و آداب و رسوم جامعه در این مهم پرفایده خواهد بود.

## بررسی سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال وجدان جمعی در راستای جرم انگاری؛

همچنانکه پیشتر اذعان شد پیش شرط قوام و دوام حقوق و قانون موضوعه کشور، مقبولیت اجتماعی و هماهنگی و تطبیق با سنت ها و عقاید فرهنگی و مذهبی، آداب و رسوم و سنن آن جامعه می باشد. در واقع حقوق موضوعه باید محصول انتظارات اغلب یا کافه مردم باشد حال سؤال اینجاست آیا مقام قانونگذار ایران در دو سه دهه اخیر در جرم انگاری و قانون نویسیهای مکرر خود به این مهم توجه و عنایت داشته است یا خیر؟ آیا مراجع متعدد قانون نویس و جرم انگار، محصول انتظارات مردم ایران می باشد یا خیر.

## بررسی مراجع متعدد قانون نویس در پناه وجدان جمعی در نظام عدالت کیفری ایران

هر چند ماهیت قانون باید محصول انتظارات عموم باشد و مواد قانونی از لایحه های زیرین مستقل فکری افراد جامعه تراوش کرده باشد؛ ولی ناگفته پیداست که «مقام واضع قانون» نیز باید محصول انتظارات عموم باشد، چرا که اگر مقام یا مقامات واضع قانون فرآورده خواست و انتظارات مردم نباشد، بی شک سخن گفتن و قلم فرسایی از محتوای قانون، کاری عبث و بیهوده خواهد بود. آیا پیدایش سازمانهای جدید همچون شورای نگهبان، مجمع



تشخیص مصلحت و شورای عالی قضایی که اساساً به جرم انگاری می پردازد محصول انتظارات کافه یا اغلب مردم ایران است؟ آیا این مقامات همچون نمایندگان مجلس شورای اسلامی برخاسته از قلب اجتماع توسط مردم هستند؟ آیا توانایی شناخت احتیاجات و منافع مردم را به بهترین شکل ممکن دارند؟ آیا تدوین قوانین توسط مقامات متعدده، جزء تحدید و تضییق آزادی افراد سودی در بر دارد؟

واقعیت این است که بعد از انقلاب، مراجع متعددی در نظام عدالت کیفری ایران به جرم انگاری می پردازد و به تحمیل خواسته های خود بر شهروندان اهتمام دارند. با وجود اینکه تنها مرجع صالح برای قانونگذاری چه در سطح داخلی - مطابق قانون اساسی - و چه در سطح منطقه ای و بین المللی، مجلس شورای اسلامی است. مراجع مذکور بدون عنایت به قانون اساسی و اندیشه انسان مدارانه و آزاد اندیش و دموکرات امروزی - در پرتو حقوق بشر - به جرم انگاری می پردازند. مضافاً این که یکی از پیش شرط های جرم انگاری، عنایت به وجدان جمعی و مقبولیت عامه است. که این مهم نیز در پرتو جرم انگاری متعدد توسط این مراجع رعایت نشده است. بنابراین ضروری است مطابق اصول متفقه قانون اساسی و نگرش آزاد منش حقوق بشر، در راستای عدم تحدید آزادی افراد، چنین مراجعی از صحنه و فضای قانون انگاری و جرم نویسی خروج کرده و جرم انگاری را محدود به پارلمان کند که انتخاب و برگرفته شده از قلب و متن و بطن، همین ملت است. (صادقی، ۱۳۷۸)

### **دستاوردهای دیگر نظام های حقوقی با عنایت به وجدان جمعی**

تدوین قانون توسط نظام تقنینی باید با توجه به ساختارها و ارزشها و فرهنگ و زیست بوم جامعه تصویب گردد. مونتسکیو قایل است: قانون هر کشور باید مختص آن کشور باشد. این اتفاق بزرگی است که قانون کشوری برای کشور دیگر متناسب باشد. بنابراین هر آب هوایی مردمان ویژه خود را دارد و نیازمند قانون ویژه و متخصص به خود نیز هستند. یکی از علل تورم قوانین کیفری در ایران، توسل نسجیده به دستاوردهای دیگر نظام های حقوقی است قسمتی از حقوق کشور، غربی پاره ای عرفی و بعضی اسلامی و... است. ناسازمندی در ساختارها و نظریه ها مشکلات بسیاری را فراوری نظام عدالت کیفری قرار داده است. از یک طرف پاره ای از حقوق از غرب اقتباس می کنیم از طرف دیگر قایل به برابری دیه مسلمان و غیر مسلمان - اقلیتهای مذهبی و غیر مذهبی - نیستیم و علت آن را اسلامی بودن احکام قلمداد می کنیم. شورای نگهبان در راستای اسلامی بودن قوانین همت می گمارد و قرار تأخیر تأدیه صدی دوازده را تصویب کند! مجلس شورای اسلامی توجه به وجدان جمعی و حقوق بشر را لحاظ کرده تا قانون متناسب با جامعه و با عنایت به جامعه بین الملل تصویب کند. مجمع تشخیص مصلحت نیز در پی مصالح نظام است. جرم شناسی مارکیستی قایل است، اقتصاد زیر بنای تمام امور و خرده نظام است و حتی حقوق رو بنا قرار دارد. پس با این رویه، تعاریف خود را مشخص می کند و برای آن حقوق هم می نویسد. هر چند بحثی در رد یا پذیرش این دیدگاه نیست، ولی بدلیل تعیین و مضبوط کردن رویکرد خود قایل ستایش است. دستاوردهای نظام های دیگر اصولاً باعث تعارضات و تناقضات در نظام حقوقی کشور می شود و همگنی و وحدت نظام حقوقی و کل مجموعه قوانین را در هم می ریزد. و افکار جمعی و وجدان مشترک به عنوان مهمترین عامل انسجام بخش بدست فراموشی سپرده می شود. بنابراین ضروری است در جهت برون رفت از بحران تورم قوانین کیفری و تطبیق و انین موضوعه با اندیشه و افکار مشترک جمعی، جرم انگاری اخلاقاً موجه در پرتو یک رویکرد ثابت مبتنی، بر وجدان جمعی و در راستای همگنی و وحدت حقوق، تصویب کنیم. پس بسوزانیم التقاط تفکرانی را که از آن نیست و از پس آن رویش و زایشی دوباره ایجاد کنیم که از قلب و متن و بطن آب بنوشاند. (مظلومان، ۱۳۸۶)

### **توجه به وجدان جمعی در راستای جرم زدایی، از جرایم ماهواره ای، سقط جنین، ولگردی و...**

نظام تقنینی به اعتبار تهاجم فرهنگی بجای ورود به صحنه بین المللی و همگام و همسو شدن با تکنولوژی نوین و گسترده ماهواره به پهنه فضای حاکمیتش و اعتراض به موج هجوم گسترده ماهواره از سوی کشورهای قدرتمند و توسعه یافته، اسهل طرق را انتخاب نموده و با جرم انگاری در خصوص استفاده از تجهیزات ماهواره ای، عموم جامعه را از این تکنولوژی - بدون توجه به خواسته های مردم - منع کرده است. این در حالی است که چنین



رویکردی به منشور حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر منافات دارد و در منشور بشر آمده است که احترام به حقوق بشر و آزادیهای او بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان مذهب ضروری است.<sup>۱</sup>

در اعلامیه حقوق بشر که عصاره اندیشه بین المللی بشر خواه و آزاداندیشی است، «هر فردی آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و برای کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»<sup>۲</sup>

جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ یک رویکرد متضاد، از یک سو به تایید موازین و موافقت بین المللی - که همانا برخاسته از ارزشها و اعتقادات مشترک تمام جهان است - پرداخته و از دگر سو بدون عنایت به وجدان جمعی و داخلی، جامعه را از استفاده از تجهیزات ماهواره ای منع کرده است. پدیده جهانی شدن و درهم آمیختگی هویت های فرهنگی و درنور دیده شدن مرزهای جغرافیایی در پرتو حجمه های بی حد و حصر اطلاعات چالش منع استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره اقدام کرده است. مقام تقنینی جمهوری اسلامی ایران با برخوردی واکنشی به تعیین جزای نقدی در خصوص استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره اقدام کرده است نه تنها مانع از گرایش «استفاده از ماهواره نشده است بلکه در پناه قاعده روانشناسی «الانسان حریص علی مامع» به گرایش بیشتر در استفاده از این تجهیزات راغب شده است. در هر صورت رقام این سطور مساعی خود را در رفع چالش ناشی از منع استفاده از تجهیزات ماهواره ای در راستای تورم زدایی قانونی و تعدیل عناوین مجرمانه بکار بسته است. بنابراین ضروری است مقام تقنینی بجای توسعه بخشی به قوانین کیفری به توسعه بخشی به شناخت رسانه ای و تقویت ارزشهای داخلی آگاهی و چگونگی استفاده از این تکنولوژی به شهروندان با عنیت به کارکردهای مثبت آن؛ اقدام کند. پیش شرط چنین رویکردی، شناخت علل گرایش افراد به ماهواره و رسانه های خارجی است که عبارتند از:

۱. گرایش به تجمل و تقلید کورکورانه در لایه های مختلف جامعه.
۲. بی محتوایی و جذاب نبودن رسانه های داخلی.
۳. بستر سازی ذهنی کودکان و نوجوانان به فرهنگ و رسانه های غیر بومی بر حسب نیاز.
۴. تنوع رسانه های خارجی و در عین حال محدودیت رسانه های داخلی.
۵. کنجکاوای افراد در مخالفت قانونی استفاده از تجهیزات ماهواره ای در پرتو قاعده الانسان حریص علی ما منع و ...

سیاست جنایی تقنینی ایران، قبل از اینکه استفاده از ماهواره را کجروی و عدول از ارزشها تعریف کند، با الصاق برچسب مجرمانه بر آن باعث شکاف عمیق و ژرفی بین مردم و نظام عدالت کیفری شده است. این اصطکاک در نتیجه عدم توجه به مقام تقنینی به وجدان جمعی در راستای جرم انگاری بوده است. پیشینه این جرم انگاری در نظام حقوقی ایران در سال ۱۳۱۳ در خصوص استفاده از رادیو بوده است که مقام تقنینی به تحدید استفاده از رادیو به اعتبار تهاجم فرهنگی همت شماس و نظمی را مأمور جمع آوری آنتن های رادیو کرده بود. منع استفاده از ویدئو نیز همچون منع استفاده از رادیو با شکست مواجه شد و نهایتا وجدان جمعی، جامعه را به زدودن انگ مجرمانه از این رفتارها و همسو شدن با افکار عامه اجبار کرد. امروزه نیز مهمترین راه برون رفت از این معضل و چالش، لحاظ کردن وجدان جمعی جامعه و جرم زدایی در خصوص تجهیزات ماهواره ای است. بررسی مذاکرات نمایندگان مجلس در خصوص استفاده از تجهیزات ماهواره ای:<sup>۱</sup>

گروه نخست اعم از مخبر کمیسیون، موافقان و نمایندگان دولت، سخنانی مطرح کرده اند که مهمترین آنها «نگرانی مردم تدین» و «فتوای مراجع تقلید» بوده است.

<sup>۱</sup> منشور ملل متحد، ماده ۱، بند ۳.

<sup>۲</sup> اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۹.

<sup>۱</sup> برای اطلاع از متن کامل مذاکرات به روزنامه رسمی شماره ۱۴۴۴۶ و ۱۴۴۴۹ درباره مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۵۳ و ۲۵۴ مورخه ۱۳۷۳/۶/۲۹ رجوع گردد.



مضافاً به آن گفته اند :

- ❖ ماهواره نفی گشته هویت فرهنگی و دینی و ملی جرایم بشری است.
- ❖ ماهواره بنیان خانواده ها را متزلزل می کند.
- ❖ ماهواره خلق و خوی ذلت پذیری را در جرایم القاء می کند ز
- ❖ شما به بیمارتان می گوئید( قبل از اینکه معالجه شود : رژیم بگیری ، میگوئید محیطش آلوده نباشد .... چطور در اینجا ... نظر دیگری دارید .
- ❖ در ماهواره حق انتخاب نداریم؛ ولی در ویدئو حق انتخاب داشتیم.
- ❖ چرا بگذاریم این سربازان (امواج) بدون ویزا به کشور ، داخل شوند .

اظهارات مخالفین به شرح زیر و بصورت نقل قول مطرح می گردد :

- بیشتر انسانهای مرزی از شبکه های همسایه استفاده می کنند بدون اینکه آنتن عادی داشته باشند ، اما از نظر ناهنجاری ، خیلی از شهرهایی که در مرز واقع شده ، مقام دوم را دارد . در واقع بهترین شهرهاست .

- ما با این برخوردهای فیزیکی که گذشته هم شاهد بودیم که موفق نبوده ایم . نمونه ای تجربه ای بوده که درباره ویدئو داشته ایم . ممانعت از ماهواره مشکلتر از ممانعت و جلوگیری از ویدئو است .

- بهترین راه برای مقابله راه عملی است . دادن برنامه و ارائه طرح های متنوع و جذاب به گونه ای که ملتمان را از نیاز و علاقه دیگران و برنامه های دیگران غنا بخشد. از طرف دیگر تقویت بنیه اقتصادی و احیاء غیرت فرهنگی و ملی مردم است .

- تصویب این قانون کوچکترین تأثیری در استانهای مرزی نخواهد داشت و بخش های مرکزی هم برخی از دستگاه های رونی و اقشار مرفه و بی درد جامعه از آنتن های ماهواره ای استفاده می کنند و توده مردم اصلاً مشکلی در این زمینه احساس نمی کنند . قضیه را واضح تر بگوییم : اصلاً در کشور ما مشکلی بنام ماهواره وجود ندارد ، خودمان با طرح این قضیه آنرا بزرگ کرده ایم.

- اگر این قانون تصویب شود من بعینه می بینم روزی را که باز مجلس تشکیل جلسه دهد و اجازه استفاده از ماهواره را مجدداً مانند استفاده از رادیو مطرح بکند.

نتیجه بحث های مذکور ، تصویب قانون ممنوعیت از تجهیزات دریافت از ماهواره ۷۳/۱۱/۲۳ بوده است . این قانون در ۲۹ شهریور ۱۳۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در ماده ۱ این قانون آمده است : «به موجب این قانون ، ورود ، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره ، جز در مواردی که قانون تعیین کرده ممنوع می باشد .»

آنچه باعث تصویب این قانون (طرح) در مجلس شد ، استفاده ناصحیح و نادرست از ماهواره است . طراحان این طرح ، با نفس ماهواره مخالفتی نداشته اند ؛ بلکه قایل بودند آنچه الان از ماهواره پخش می شود در حقیقت ابزار اصلی انحراف بشری است . امام راحل در یکی از صحبت هایشان فرمودند که ما با تمدن و سینما مخالف نیستیم ، ما با فحشا مخالف هستیم ... این مسئله در ایران بسیار حادثر و حساستر مطرح شده است ؛ چرا که جمهوری اسلامی ایران خود را پرچمدار مبارزه با تهاجم فرهنگی و حفظ ارزشهای درونی و اعتقادات خود می داند . از اینرو در مقابل سیاست های توسعه طلبانه ابرقدرتها موضع می گیرند . (ناجی، مرتضی؛ ۱۳۸۱)

مبارزه با ماهواره و برچیدن آنتن های ماهواره ای و تعرض به حریم و فضای خلوت افراد و دخالت در اعتقادات انسانها در پناه حقوق کیفری ، برخوردی عجولانه و غیر منطقی است . از اینرو ضروری به نظر می رسد که قانونگذار با توجه به استقبال افراد جامعه در استفاده از این وسیله ، در جهت جرم زدایی عملی و رسمی از ماهواره اهتمام ورزد و به موازات جرم زدایی از ماهواره به افزایش سطح آگاهی های مردم مبادرت ورزد. پافشاری و اصرار در جهت منع استفاده از تجهیزات ماهواره ای ، باعث ضعف حکومت خواهد شد ؛ چرا که از یک سو فاصله طبقه حاکم و طبقه زیردست بیشتر می شود و مردم



قانون را رعایت نمی کنند و باعث وهن و بی حرمتی قانون می شوند و از دگر سو اعتماد عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری - بعنوان رکن تحقق بخش رضایت عمومی و عدالت - تنزل کرده و کاسته می شود. در هر حال نباید این نکته را فراموش کرد که محدوده نفوذ قوانین با اراده و خواست درونی مردم تعیین می گردد. در صورتیکه نظام عدالت کیفری خواست درونی و لایه های فکری و ارزشهای مشترک جامعه را در راستای جرم انگاری توجه نکند، قوانین به اهداف خود نایل نمی شوند و قانون اثر خود را نمی یابد. لذا ضروری است با مشارکت مردم در مدیریت جرم انگاری در پرتو جرم شناسی نوین به جای برخورد قانونی، قدرت انتخاب و اعمال نظر را به شهروندان سپرد. به هر تقدیر، توجه به وجدان جمعی در راستای جرم زدایی از ماهواره یکی از اقدامات اساسی در کنترل و تعدیل تورم قوانین کیفری و توالی سوء و فاسد آن خواهد بود و امیدواریم مقام تقنینی و قضایی این پیشنهاد را در دستور کار خود قرار دهند هر چند که در گستره زمانی این مهم موجش فراگیر خواهد شد. (بوشهری، ۱۳۷۹)

تعارض قوانین موضوعه با انتظارات عمومی، محدود و محصور به بحث ماهواره نیست یکی از این مسائل، بحث سقط جنین است. سقط جنین یک واقعیت اجتماعی است و مقام تقنینی بدون توجه به این پدیده اجتماعی، با اتخاذ مجازاتهای سنگین برای پزشکان مانع اجرای سقط جنین شده است. اما معمولاً بی تأثیر بوده است. مقام قانونگذاری در پناه آموزه های دینی و مذهبی، سقط جنین را جرم اعلام کرده است. توالی فاسد این جرم انگاری بگونه ای تحمیل و تحکم آمیز و بدون هیچگونه استثناء تبصره حمایتی باعث سوء استفاده افراد شاید و حقه باز شده است. به این اعتبار که با سقط جنین بگونه ای غیر قانونی - اما واقعی - از افراد بی گناه اخذی می کنند. چنین جرم انگاری نه تنها مانعی در وقوع جرم ایجاد نمی کند؛ بلکه خو جرم زاست. که امروزه مستلزم اجتهادی پویا و تجدید نظر در احکام جرم گرا و ایستای فقهی به نفع جرم زدایی است. امروزه پیام جامعه شناسی، عنایت و اهتمام به پدیده های اجتماعی و امور واقعی است. آنچه هست باید توجه شود. آیا امکان دارد در جامعه ای نیاز به سقط جنین نباشد. این یک پدیده اجتماعی است. مقام تقنینی به هر بهانه ای اعم از دینی یا مذهبی و یا پزشکی و غیره نمی تواند با جرم انگاری جدی واقعیت اجتماعی را بگیرد. وظیفه او پذیرش واقعیات اجتماعی و عدم تحدید آن با جرم انگاری بجز در مواقع ضروری و اضطراری است. (صادقی، ۱۳۷۸)

علی ای حال مقام قانونگذاری بی توجه به این واقعیت اجتماعی - سقط جنین - با جرم انگاری خلاف رضای شهروندان به جرم انگاری در این مهم دست یازیده است که ضروری است در جهت جلوگیری و کنترل و تعدیل تورم قوانین کیفری از چنین مواردی، انگ های مجرمانه زدوده شود. نمونه دیگر این مسایل در جامعه، ولگردی است. ق.م.ا. قابل است: «کسیکه وسیله معاش معلوم ندارد و از روی بی قیدی و تنبلی در حدود تهیه کار برای خود بر نمی آید، ولگرد محسوب می شود. ضمناً مجازات یک تا سه ماه برای او در نظر گرفته شده است. این در حالی است که از یک سو، جامعه شرایط مساعد برای کار کردن را برای شهروندان فراهم نمی کند و از دگر سو با وجود اینکه آحاد شهروندان به این گونه منحرفین به دیده ترحم نگاه می کنند و حتی کمک مالی نیز می کنند این پدیده را جرم انگاری کرده است. مصداق چنین رویکردهای متضادی در قانون ما فراوان است مثلاً در جایی ربا را حرام اعلام کرده و در جای دیگر بانکها و ... تأخیر تادیه را صدی دوازده اتخاذ می کنند. علی ای حال این رویکرد نوعی اخلاق گرایی قانونی است. که اخلاق را وارد حقوق کیفری کنیم و با حربه قانون از آن دفاع کنیم. جرم انگاری در این زمینه علاوه بر اخلاق گرایی قانونی، درهم آمیختگی، انحراف و جرم نیز می باشد.

قانونگذار با جرم انگاری انحرافات بدون عنایت به وجدان جمعی و پذیرفته های اجتماعی، جایگاه حقوق کیفری را در پناه تورم قوانین کیفری، با چالش های جدی روبرو کرده است. چرا که انحراف یا گزروی اساساً مفهومی جدا از حوزه بزه می باشد. انحراف واجد ضمانت اجرای کیفری نیست؛ بلکه جنبه اخلاقی دارد و بیشتر با سرزنش و قبح اجتماعی پاسخ داده می شود. (بوشهری، ۱۳۷۹)

در واقع انحراف بیش در آمد و بیش شرط جرم انگاری است. به این اعتبار که آنگاه که رفتار گزمدارانه از آستانه تحمل جامعه و نظام اجتماعی گذشت، با برخوردی کیفری مواجه خواهد شد. در چنین صورتی آن هم در موارد شاذ، انحراف به وصف کیفری آراسته می شود. پس برخورد واکنشی به هر انحراف و عمل اخلاقی، نتیجه ای جز تورم قوانین کیفری و توالی فاسد نخواهد داشت.



بنابراین یکی از علل جرم انگاری و توسع بخشی به آن در نظام عدالت کیفری ایران، عدم توجه توجه به وجدان جمعی در راستای جرم انگاری است که امیدواریم با عنایت به پذیرفته های اجتماعی و مقبولیت عامه، جرم زدایی از برخی عناوین مجرمانه صورت گیرد تا شاهد کنترل و تعدیل تورم قوانین کیفری باشیم.

### عنایت به جرم شناسی (پیشگیرانه) بعنوان راه برون رفت از بحران انباشت قوانین کیفری

جرم شناسی بعنوان یکی از رشته های علوم جنایی عمری بیش از یک سده دارد. به اعتقاد برخی از جرم شناسان تولد جرم شناسی علمی، تا اندازه ای زیاد، ناشی از شکست حقوق و نظام کیفری در مبارزه با جرم و کنترل بزهکاری بوده است. به هر تقدیر، جرم شناسی به عنوان علمی است که به بررسی علل و عوامل مؤثر بر وقوع جرم یا به تعبیری به مطالعه علمی پدیده مجرمانه اعم از جرم و انحراف می پردازد. جرم شناسی دارای شقوق متعدده ای است. ولی آنچه در این مقال مهم است شاخه جرم شناسی پیشگیرانه است. این شاخه از جرم شناسی، ناظر بر اقدامات کنشی (پیشینی) قبل از وقوع جرم و یا حتی اقدامات واکنشی (پسینی) بعد از بروز رفتار مجرمانه از سوی کارگزاران سیاست جنایی می باشد. اقدامات پیشگیرانه اعم از پسینی و پیشینی فاقد وصف کیفری اند. (حبیب زاده؛ ۱۳۸۰)

### انواع پیشگیری:

پیشگیری به انواعی تقسیم می شود: که از آن جمله می توان پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، زودرس یا رشد مدار را نام برد. گاه پیشگیری از جرم مستلزم ایجاد تغییر در شخصیت بزهکار یا شرایط اجتماعی است، که به آن پیشگیری اجتماعی گفته می شود. گاه پیشگیری از وقوع یا تکرار پدیده مجرمانه، مستلزم ایجاد تغییر در یک محیط یا وضعیت ویژه است؛ همچون افزایش روشنایی در محیط های نسبتاً تاریک یا کاملاً تاریک که بی تردید سبب کاهش جرایمی چون سرقت می گردد. این قسم از پیشگیری به اعتبار دخالت در وضعیت و تغییر در آنها، پیشگیری وضعی نامیده می شود. گونه ای از پیشگیری را پیشگیری زودرس یا رشد مدار می گویند که مبتنی بر مداخله در دوره های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از وقوع یا مزمن شدن بزهکاری در آینده و در دوران بزرگسالی می باشد. اما گاه پیشگیری از نظر پزشکی به سه قسم تقسیم می شود:

نوع اول پیشگیری حاکم و ناظر بر انجام و اعمال یکسری برنامه های پیشگیرانه اجتماعی «قبل از وقوع بزه»، از قبیل؛ توسعه فرهنگ و سواد آموزی است که پیشگیری اولیه نام دارد.

نوع دوم از پیشگیری به منظور پیشگیری از تبدیل حالت خطرناک یا حالت بحرانی به حالت مجرمیت اعمال می شود، در واقع این پیشگیری در آستانه ارتکاب جرم بکار بسته می شود. این پیشگیری، پیشگیری ثانویه نام دارد. برای نمونه کسانی که بصورت تفننی مواد مصرف می کنند بیشتر در معرض اعتیاد هستند. (صادقی، ۱۳۷۸)

نوع سوم پیشگیری شامل اقدامات متعاقب وقوع بزه می باشد. این پیشگیری به منظور جلوگیری از تداوم یا تکرار دوباره جرم از سوی مجرم است که اصطلاحاً پیشگیری ثالث گفته می شود. راقم این سطور قایل است، عنایت به جرم شناسی پیشگیرانه می تواند یکی از راه های برون رفت از بحران تورم قوانین کیفری در ایران باشد. مراد از این نوع پیشگیری در تمام سطوح آن - بالاخص - پیشگیری اولیه است. در این مقام ضروری است بجای تدوین و تنصیب بی رویه قوانین کیفری به تغییر و تعدیل در شرایط محیطی، اجتماعی، شخصی، اقتصادی، بسترسازیهای آموزشی و پرورشی و خانوادگی و فرهنگی و ... دست زد. بنا براین در علل وضعی اوضاع و احوال ماقبل وقوع بزه بررسی می گردد تا شرایطی را که باعث ارتکاب جرم شده را تسهیل یا حذف کنند. برای تحقیق و تحلیل دقیقتر و راهبردی برای این مسأله، نظریه پنجره های شکسته را تحلیل می کنیم:



نظریه پنجره های شکسته "broke windos" قابل است این جرم نیست که باعث بی نظمی می شود بلکه بی نظمی است که باعث وقوع بزه می گردد. بنابراین باید بی نظمی را مرتفع ساخت تا شاهد وقوع بزه نباشیم. این نظریه در سالهای ۸۱-۸۰ م توسط جامعه شناسان آمریکایی جرج کلینگ و کاترین کوز مطرح شد. این جامعه شناسان به این نتیجه رسیدند که هر جا برج مسکونی و خانه ای فاقد مراقبت باشد - به این معنا که شیشه های آن شکسته باشد - و کوچه ها درست نظافت نشده باشد و دیوارها مملو و مشحون از دیوار نویسی و نقاشی باشد برای رهگذران چنین تصویری ایجاد می شود که اساساً این برج و محله صاحب ندارد. (ناجی، ۱۳۸۱)

پس در نتیجه شیشه های سالم نیز به تدریج خواهد شکست و در نتیجه اوضاع و احوال محله، باعث تحریک و تهییج افراد و منحرف شدن آنها شده است و نهایتاً افراد بدلیل عدم حمایت شهرداری و مقامات پلیسی محله را ترک می کنند. جامعه شناسان فوق به این نتیجه می رسند در صورتیکه به محض شکستن شیشه ها، شیشه های دیگر جایگزین گردد و به محض نوشتن بر دیوارها آنها پاک شوند، رهگذران نشان داده اند که محله و کوچه صاحب دارد. یا مثلاً خودرویی که پایین شهر پارک شده بعد از توقف یک هفته ای، بتدریج شیشه های خودرو شکسته می شود. آیین و دیگر وسایل آن به سرقت می رود. حال همین ماشین در صورت پارک شدن در بالا شهر، بدلیل شرایط فرهنگی و محیطی مساعد تا ظرف یکماه مورد تعرض واقع نمی شود. بنابراین این جرم نیست که باعث بی نظمی می شود؛ بلکه بی نظمی است که باعث وقوع بزه شده است. از اینرو بستر سازی برای جلوگیری از وقوع بزه بمراتب بهتر از جعل و وضع قانون برای جلوگیری از وقوع بزه است. علی ای حال پیشگیری اولیه عبارت است از سالم سازی جامعه به سوی جامعه ای عاری از جرم. پیشگیری ثانویه فرایند های گذار از اندیشه به عمل است. این دو نوع پیشگیری بدلیل اینکه هنوز جرمی اتفاق نیفتاده است جایگاه مهمی در تحقیق در پیش رو دارد در صورتی که پیشگیری ثابت زمانی مطرح می شود که جرم اتفاق افتاده است و در این صورت باید اقداماتی در راستای اصلاح مجرمین در جهت جلوگیری از تدام و تکرار جرم انجام دهیم. که در ایران در قسمت دوم (بند دوم) ماده ۱۵۶ق.اساسی تحت عنوان جرم شناسی بالینی مطرح است. بنابراین جرم شناسی پیشگیرانه قابل است: مجازات کردن در پرتو قوانین متعدده کیفری رادع و مانع ایجاد نمی کند، بلکه خود جرم زا و برجسب زن است و وجدانها را به سمت ارتکاب جرم سوق می دهد. (مهریور؛ ۱۳۸۱) پلیس و دستگاه قضایی به یک نوع گزینش مجرمانه نسبت به افراد دست می زند. از اینرو جرم شناسی نوعی موضعگیری انتقادی علمی سیاسی نسبت به نظام کیفری اتخاذ کردند و در جهت تعدیل جنبه های سرکوبگر این نظام تا حد طرفداری از کنارگذاری و الغای نظام کیفری پیش رفتند.

## نتیجه گیری

نمود مبنا و موازین و شیوه ثابت جرم انگاری به تورم و قوانین کیفری دامن زده است تا جایی که عده ای قائلند که اساساً در نظام عدالت کیفری ایران، سیاست جنایی وجود ندارد، بلکه اساساً یک سیاست کیفری بر آن حاکم است. اصحاب فن حقوق رویکردهای مختلفی را در زمینه ناهمگونی حقوق ایران اتخاذ کرده اند. عده ای قایل به حل مسایل حقوقی ایران در پناه بیوندی دوباره با فرهنگ و نظام ارزش حقوقی سنتی می دانند و قائلند که باید آنرا با غبار رویی از زیر گرد و خاک ایام بیرون آورد؛ چرا که قلمرو کاری ما فقه اسلامی و حقوق عرفی است که به جامعه ما پهلو می زند. عده ای دیگر قائلند گذشته را باید گذاشت و گذشت و دریچه ای نوبگشائیم و در فضای تازه نفس بکشیم. راقم این سطور همدستان به جامعه شناسان قایل است قواعد حقوقی نااستوار و متغیرند و از طرفی هر جامعه ای حقوق خود را می طلبد. از اینرو حقوقی فی نفسه و لِنفسه متغیر است و مقبول هراکلیت « همه چیز در حرکت است، حتی علوم جنایی هم نمی تواند تابع دگرگونیهای مداوم نباشد» نگارنده سعی دارد حقوق مشتت ایران را هم به لحاظ اقتباس مقلدانه از دستاوردهای غربی و هم از منظر آموزه های دینی مورد نقد و واکاوی و آسیب شناسی قرار دهد و حتی المقدور بگونه ای مزجی و نه یک سو به این کار اهتمام و مبادرت ورزد.



### منابع و مآخذ

- بوشهری، جعفر؛ (۱۳۷۹)، حقوق جزا، اصول و مسایل، ج ۱، تهران: شرکت سهامی .
- حبیب زاده محمد جعفر؛ (۱۳۸۰)، آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دادگاه شیراز، ش ۲، دوره ۲۱، پیاپی ۴۱.
- حبیب زاده محمد جعفر، نجفی ابرندآبادی علی حسین، کلانتری کیومرث تورم کیفری، عوامل و پیامدها مدرس علوم انسانی : زمستان ۱۳۸۰، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۲۱)؛ از صفحه ۵۹ تا صفحه ۷۸.
- رهایبی، محسن؛ کیانی، محمدرضا؛ حکومت و حقوق کیفری، مجله اندیشه های حقوقی، دوره ۲، ش ۶، تابستان ۱۳۸۶.
- صادقی، میرمحمد؛ (۱۳۷۸)، حقوق جزای اختصاصی، اموال و مالکیت، ج ۲، چ ۵، تهران: میزان.
- لازررژ، کریستن؛ (۱۳۸۱)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۱، چ ۲، تهران: نشر یلدا.
- مظلومان، رضا؛ (۱۳۸۶)، جرم شناسی (کلیات)، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهریور، حسن؛ (۱۳۸۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان، ج ۱، تهران: کیهان.
- ناجی، مرتضی؛ (۱۳۸۱)، مقاله چشم اندازی به اجهاز فرهنگی اجتماعی حاصل از ارسال و دریافت مستقیم رسانه های ماهواره ای، صص ۱۱۸-۱۱۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی محمد، (۱۳۸۷)، چ ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، «دانشنامه جرم شناسی (انگلیسی، فرانسه، فارسی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.